

جنب و جوش و تقلا در طیف ملی اسلامی

شهلا دانشفر، صفحه ۲



آنچه مردم می خواهند و آنچه را که نمی خواهند!

مهران محبی، صفحه ۴

جنگ ۱۲ روزه و جامعه متهم و جامعه فعال - یاشار سهندی، صفحه ۵

آزادی حسین میربهری، اعتراض رانندگان، کارزارها علیه اعدام و در دفاع از زندانیان

صفحه ۱۲

بیانیه ۲۶۰ فعال کارگری در دفاع از یونس آزادبر و خبری از اعتصاب کارگران پتروشیمی مارون

صفحه ۸

اعتراضات ساکنین علویچه اصفهان، پرستاران یاسوج، و کارگران فولاد ابهر، صفحه ۱۰

اعتراض زندانیان قزلحصار به تبعید سعید ماسوری، اخباری از اعتراضات کارگری و ادامه حمایتها

از حسین میربهری فعال دفاع از حقوق کودک صفحه ۱۱

اعتراض کارگران آهنگری تراکتور سازی تبریز، و بیانیه اعتراضی پرستاران صفحه ۱۱

مدیای اجتماعی

به کارزار همصدا شویم بپیوندید، صفحات ۱۴ و ۱۵

برای نجات جان انسانهایی که در چنگال حکومت اعدام و کشتار و زندان اسیر هستند،

همصدا میشویم، صفحه ۱۳

”سبد معیشت“ از ۴۸ میلیون تومان هم گذشت، صفحه ۶

بیانیه‌ی فعالان زنان ایران علیه اخراج مهاجران افغانستانی، صفحه ۱۳

خلف وعده مدیریت شرکت طرح‌های صنعتی ایران در فاز ۱۴ پارس جنوبی، صفحه ۱۳

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران: ما مرعوب نمیشویم، متحد میشویم! صفحه ۱۴

تعداد فوتی‌های حادثه واژگونی اتوبوس در فارس به ۲۱ نفر رسید، صفحه ۱۴

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته هفتاد و هفتم، به ۴۸ زندان گسترش یافت، صفحه ۱۵

فراخوان شورای هماهنگی برای شرکت در کارزار حمایت از زندانیان، صفحه ۱۶

صدای کسانی باشیم که در زندان‌ها، زیر سایه اعدام و سرکوب هستند! صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۹۳

۳۰ تیر ۱۴۰۴

۲۱ ژوئیه ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

اسماعیل گرامی آزاد شد

صفحه ۱۳

تجمع اعتراضی بازنشستگان

در رشت و اخباری دیگر

صفحه ۳

کارگران در هفته ای که

گذشته صفحه ۷

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۹

ادامه اعتصاب کارگران

آلومینیوم اراک و خبری

دیگر صفحه ۸

به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



جنب و جوش و تقلا در طیف ملی اسلامی

شهلا دانشفر

جمهوری اسلامی که با خفت و خواری تسلیم به آتش بس شد، امروز موجودیتش بر طنابهای داری که برپا کرده آویزان است و فروپاشی این حکومت را در همه زمینه ها می شود دید. اقتصاد آن در هم شکسته و مدتهاست به میزان حداقل ها هم توان اداره جامعه را از دست داده است.

بحران آب و صف های طولانی مردم با دبه های آب برای جرعه آبی در کنار قطعی های برق و گرمای بیسابقه و سوزان تابستان و اخطارهای هر روزه وضعیت قرمز آلودگی هوا گوشه ای از وضعیت به هم ریخته سیستم حکومتی و جهنمی که به مردم تحمیل کرده است را نشان می دهد. فقر و بی تاقیتی بی انتها امان از مردم بریده و از هر گوشه جامعه اعتراض می جوشد.

حکومت در هراس از منفجر شدن خشم جامعه بیرحمانه سرکوب میکند و در مقابل آن صف قدرتمندی علیه زندان و اعدام با فریاد همصدا شویم در داخل کشور و جهانی شکل گرفته است. علیرغم سرکوب بیرحمانه حکومت اعتراضات در میان بخشهای مختلف کارگری دوباره دارد سر بلند میکند. بازنشستگان از احیای یکشنبه های اعتراضی خود سخن میگویند. و همبستگی های مردمی علیه تجاوزگری های حکومت علیه مردم و یک نمونه شورانگیز آن حمایت از رد مرز شدگان شهروندان افغانستانی طلایه های صف بندی ای پر قدرت علیه حکومت و برای تداوم انقلاب است. بعلاوه صفوف حکومت و نیروهایش در منطقه در هم ریخته تر از هر وقت است و سیاست فعال شدن "مکانسیم ماشه" یعنی بازگشت اتوماتیک همه تحریم های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی نیز حکومت را تهدید میکند.

اما مهمترین واقعیت جامعه امروز ایران اینست که فضای عمومی، گفتمان و امید سرنگونی و ادامه انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. مردم علیرغم تمام جنایات حکومت، بسیار امیدوارند و آینده بدون جمهوری اسلامی را بسیار نزدیک می بینند و این را آشکارا و با صدای رسا همه جا ابراز می کنند.

برمتن این اوضاع و احوال است که از سوی جریانات دوم خردادی و ملی اسلامی ها طرحها و آلترناتیوهای مختلفی از طریق بیانیه هایی مطرح شده اند. اخیر ترین آنها بیانیه موسوی با هفتاد امضا و بیانیه هفده فعال سیاسی تحت عنوان "ما نگران سرنوشت ایرانیم" است. فراندوم و تشکیل مجلس مؤسسان محورهای مشترک هر دو بیانیه هستند. در عین حال یکی از "تغییر قانون اساسی" و دیگری از "یک قانون اساسی جدید" سخن میگوید.

این گفتمانها از سوی دوم خردادیهای بیرون افتاده از حکومت البته جدید نیستند. اما امروز در فضای سیاسی کاملا متفاوت، در شرایطی که گفتمان جامعه سرنگونی است و روشن است که حکومت در نقطه سرنگونی قرار گرفته، و در شرایطی که انقلاب زن زندگی آزادی را داشته ایم و جامعه از به پیروزی رساندن آن سخن میگوید، چنین طرحهایی بیرون داده میشود.

اولین نکته مهم این اینست که نفس جلو آمدن دوباره چهره های شاخص دوم خردادی با گفتمان هایی چون "گذار دموکراتیک" و "فراندوم" و غیره خود عظمت جنبش زن زندگی آزادی را نشان میدهد که مدافعان خجول حکومت را به دست و پا انداخته است تا شاید بتوانند نظامشان را با تغییرات و "اصلاحاتی" از فروپاشی نجات دهند. از یاد نبرده ایم که همه این طیف ها در جنگ جمهوری اسلامی و اسرائیل تحت عنوان دفاع از "ماد وطن" در کنار حکومتشان ایستادند و با هسته مرکزی حکومت همصدا بودند.

اما بد نیست که مکتبی بر روی نکات محوری دو بیانیه مورد اشاره داشته باشیم.

بیانیه هفده نفره بر برگزاری فراندوم تحت نظارت نهادهای مستقل بین المللی جهت احقاق حق تعیین سرنوشت خود و تشکیل مجلس مؤسسان، در راستای یک دولت ملی و فراگیر تاکید کرده است.

اولین نکته اینست که طرح مسئله برگزاری فراندوم در شرایطی که جمهوری اسلامی همچنان بر سر

قدرت است و خط غالب آن سرکوب و کشتار برای ماندن است، در بهترین حالت طرحی خیال پردازانه است. البته خودشان نیز بر این نکته واقفند و این نیز خود مو ضوع مناقشه در میان طیف های گردآمده حول بیانیه های مورد اشاره نیز هست.

اینان در حالیکه فضای پر التهاب جامعه را می بینند، تاکیدشان بر استفاده از تمام ظرفیت های نافرمانی مدنی و تداوم "جنبش مقاومت مدنی خشونت پرهیز" است. تا ظاهرا زمینه را برای فراندوم موعود خود فراهم کنند. معنای واقعی شعار نخ نمای "خشونت پرهیزی" چیزی جز قیچی کردن روند انقلاب مردم نیست. به عبارت روشن تر این گفتمانها راهکاری در چارچوب همان گفتمان ورشکسته اصلاح طلبی حکومتی، از طریق تغییراتی تدریجی و نهایتا تلاشی برای استحاله درونی رژیم و در چارچوب همان نظام موجود است.

در این گفتمان اینان در واقع اشاره شان به جنبشی است که با پرچم زن زندگی آزادی قد برافراشت و هدف شان مهار این جنبش در چارچوب نظام است. جنبشی که در آن مردم با فریاد "بهش نگید اعتراض این دیگه انقلاب"، انقلاب مهسا را رقم زدند. جنبشی که در همان خیزش ۹۶ فریاد برآورد و گفت اصولگرا، اصلاحگرا دیگه تمام شد ماجرا و آب پاکی روی دست کل این جماعت ریخت. بعد هم در خیزش سال ۹۸ شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد را سر داد. و این جنبشی است که با تاکید اینکه به عقب بر نمیگردیم در جدالی جانانه در این سه سال در تلاش برای پیشروی و به پیروزی رساندن انقلاب است. این جنبش را نمیشود سر برید و با موعظه مسخره خشونت پرهیزی مسیرش را به بیراهه برد. گویی این مردمند که خشونت گرا هستند و نه حکومت اسلامی شان!

اما محوردیگر بحث در این بیانیه ها بحث بر سر تغییر و یا تدوین قانون اساسی دیگر است. با وعده اینکه حق تعیین سرنوشت به مردم بازگردانده میشود.

اما نکته اینجاست که حتی اگر بحثی بر سر فراندوم، مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید و غیره باشد به دوره بعد از سرنگونی حکومت بر میگردد. اگرچه در این مورد نیز مسیر راه روشن است. همانطور که مردم همواره فریاد زده اند، دیگر راه عقب گردی وجود ندارد و انقلاب کوتاهترین و کم هزینه ترین راه برای رهایی از کل جهنم جمهوری اسلامی است.

بعلاوه بطور واقعی مردم در متن انقلاب و مبارزات هر روزه خود رئوس اصلی قانون اساسی جامعه فردای خود را نوشته اند. مردم جامعه ای میخواهند انسانی و پر از رفاه و شادی. جامعه ای که در آن تبعیض و نابرابری نباشد. فقر و استثمار و محرومیت نباشد و زندان و اعدام و سرکوب نباشد. جامعه ای که برابری کامل زن و مرد، آزادی های وسیع سیاسی و لغو مجازات اعدام، جامعه ای سکولار و آزادی داشتن و یا نداشتن مذهب اولین بندهای قانون اساسی مصوب آن به قدرت انقلاب مردم باشد. جامعه ای که خود را در فریاد شعارهای معیشت منزلت حق مسلم ماست، زن زندگی آزادی در کف خیابانها هر روزه بیان میکند. پلاتنرم مبارزاتی این مردم منشور خواستهای حداقلی بیست تشکل، این سند تاریخی انقلاب زن زندگی



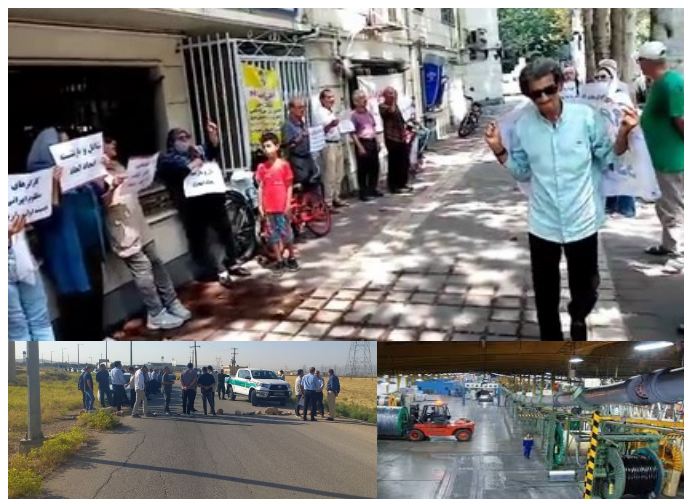
بیانیه‌هایمان اضافه کنیم و اعلام کنیم: نه به غنی‌سازی اورانیوم. زنده باید غنی‌سازی زندگی!

#غنی‌سازی_زندگی_حق_مسلم_ماست
#معیشت_منزلت_حق_مسلم_ماست

تاوان جنگ را مردم نباید بپردازند!

صدها میلیارد دلار را حکومت صرف تاسیسات اتمی و موشکی و نیروهای نیابتی کرد تا هم در منطقه جنایت کند هم در داخل علیه مردم قدرت‌نمایی کند. از نظر اقتصادی نیز این هزینه‌های نجومی حاصل زحمات! آفازدها و آیت‌الله‌ها و انگل‌های حاکم نبود. از سفره مردم دزدیدند و رمق زندگی مردم را کشیدند تا این مخارج و همینطور حقوق‌های نجومی و دزدی‌ها و هزینه موسسات مذهبی و سرکوب را تامین کنند.

اکنون هزینه بازسازی این تاسیسات نابود و تخریب‌شده را بار دیگر قرار است از سفره مردم تامین کنند. باید جلوی اینستاد. اعلام کنیم که تمام این بودجه‌ها تا ریال آخرش باید قطع شود. کل بودجه باید صرف رفاه مردم شود. مردم نه موشک می‌خواهند نه نیروی نیابتی و نه تاسیسات اتمی و غنی‌سازی اورانیوم. مردم غنی‌سازی زندگی بر باد رفته‌شان را می‌خواهند. لغو این هزینه‌ها را به گفتمان‌ها و شعارها و



این خبر صدای اعتراضشان را بلند کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ تیر ۱۴۰۴، ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی بازنشستگان در رشت و اخباری دیگر

امروز یکشنبه ۲۹ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی همراه با شماری از فعالین معلم بنا بر فراخوان قبلی خود مثل هفته‌های گذشته به خیابان آمده و با شعار "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" و "کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد" پیگیر مطالبات خود شده و صدای اعتراضشان را بلند کردند. تجمع کنندگان همچنین با خواندن شعر "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، ننگ بر این بندگی مرگ بر این بردگی" کل بساط توحش و بربریت حاکم را به چالش کشیدند.

روز گذشته ۲۸ تیر نیز کارگران اخراجی نیروگاه دالاهو در کرمانشاه با خواست بازگشت به کار دست به تجمع زدند و بستن جاده و ممانعت از تعویض شیفت و ورود پرسنل روزکار کوشیدند صدای اعتراضشان را بلند کنند. این کارکنان که سابقه فعالیت مستقیم در بهره‌برداری از نیروگاه را دارند، مدت‌هاست در پی احقاق حقوق خود هستند. در این حرکت اعتراضی تجمع کنندگان با ممانعت از تعویض شیفت و ورود پرسنل روزکار کوشیدند صدای اعتراضشان را بلند کنند.

همچنین در روز جمعه ۲۷ تیر ماه جمعی از کارگران بخش فضای سبز شهرداری زاهدان از پرداخت نشدن حقوق خود در چهار ماه گذشته خبر دادند. بنا بر خبرها در منطقه پنج شهرداری زاهدان، تنها در بخش فضای سبز بیش از ۷۰ کارگر حضور دارند که هیچ‌گونه دریافتی از ابتدای سال ۱۴۰۴ نداشته‌اند. کارگران شرکتی فضای سبز ماهانه حدود ۱۰ میلیون تومان حقوق دارند که آن‌ها ماه‌ها پرداخت نمی‌شود. وضعیت در سایر مناطق شهرداری نیز مشابه است و بخش فضای سبز در همه مناطق از پرداخت حقوق محروم مانده است. دستمزدهای پرداخت نشده یک موضوع سراسری اعتراضات کارگری است.

خبر دیگر حاکی از تعویق پرداخت سه ماه مزد و چهار ماه حقب بیمه بیش از چهارصد کارگر شرکت سیمکو رشت است. این کارگران از فروردین ماه سالجاری تا به امروز، فقط یک ماه حقوق گرفته‌اند. طبق گزارشها، در پی اعتراضات کارگران به این موضوع تاکنون بیش از ۲۰ نفر از کارگران توسط مدیرعامل از کار اخراج و بخاطر وضعیت وحشتناک موجود حدود ۳۵ نفر استعفا داده‌اند. کارگران با رسانه‌ای کردن

از صفحه ۲

جنب و جوش و تقلا در ...

آزادی است. منشوری که اولین تأکیدش بر اینست که می‌خواهد به صد سال ستم و استثمار و حاکمیت از بالای سر مردم پایان دهد و بر اعمال اراده مستقیم خود مردم با شوراهایشان تأکید میکند. و امروز با فریاد "غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست" علیه حکومت جنگ افروز قد علم کرده و بر رهایی از جهنم جمهوری اسلامی تأکید دارند.

با این گفتمانهاست که بطور واقعی جامعه از مجلس موسسان کذایی و تصویب قوانین از بالای سر خود عبور کرده و همواره در بیانیه‌ها و میثاق‌هایش بر این جهت گیری تأکید کرده است.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



آنچه مردم می خواهند و آنچه را که نمی خواهند!

مهران محبی

در مدت دوازده روزی که جنگ بود خامنه ای و اهل بیت اش به مخفیگاهی در عمق ده ها متر در زمین رفته بود و بقیه سران و سرداران رژیم که از اولین حملات اسرائیل جان بدر برده بودند، مدام سوراخ موش هایشان را از ترس کشف نشدن توسط جاسوسان موساد تغییر می دادند تا کشته نشوند. بعلاوه اینکه زبان رجزخوانی هایشان علیه اسرائیل و آمریکا و درعین حال عوامفریبی های شان از مردم بند آمده بود. تا اینکه بعد از روز ها و هفته ها از آتش بس که غرش جنگنده ها و پهپاد ها و صدای انفجارهای مهیب بمب های اسرائیلی دیگر مانند دوران دوازده روزه جنگ، در آسمان و مراکز نظامی، امنیتی و هسته ای حکومت نمی پیچید، سران و سرداران و با تأخیر بیشتر رهبرشان جرأت بیرون آمدن و ظاهر شدن در جمع خودی های دست چین شده شان را پیدا کردند و با پر روئی و ادامه عوامفریبی های همیشگی با چاشنی ایرانی گری باز هم زبان درازی های شان را از سر گرفتند.

باز هم دروغ گفتند و شکست نظامی و امنیتی شان از اسرائیل را پیروزی نامیدند و نابودی اسرائیل را وعده دادند و همچنان نیز ادامه می دهند و باز هم بی شرمانه و به دروغ از حمایت مردم از رژیم مفلوک شان و حمایت از ادامه پروژه های شکست خورده هسته ای و ماجراجوئی های منطقه ای خود حرف می زنند. از دروغ هائی مانند "ملت ایران در برابر ناامنی هائی که دشمن به بهانه های عدم وجود آزادی های مدنی و غیره ایستاده" گرفته تا "ملت خواهان خدمت به نظام است" و "در جنگ دوازده روزه 90 میلیون ایرانی پای نظام ایستادند و انسجام و وفاق ملی ایجاد گردید" از جمله چرندیات و حرف های مفتی هستند که خامنه ای و بقیه درندگان اسلامی بازمانده از جنگ دوازده روزه این روزها برای روحیه دادن به نیروهای خودشان و همچنین بیهوده برای ترغیب مردم به همسوئی با خود یا حداقل به سکوت بر زبان می آورند.

اما در همین دوره که خامنه ای و دیگر جانینان اسلامی به دروغ مدعی شده اند که مردم از نظام پوسیده و کاملاً شکست خورده دفاع کرده و زیر پرچم اش متحد شده اند و از جانب جامعه شعار "غنی سازی هسته ای حق مسلم ملت ایران است" را سر می دهند، مردم در برابر حکومت به خاطر براه انداختن جنگ نظامی و امنیتی کردن فضای شهرها که منجر به بازداشت صدها فعال سیاسی-اجتماعی و معترض به جنگ و جنگ افروزی های رژیم و کشته شدن شهروندان با شلیک مستقیم مزدوران امنیتی و سپاهی در پست های بازرسی منجر شده، ایستاده و با شعارهای شبانه "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و گسترش شعار "غنی سازی زندگی حق مسلم ماست" که اولین بار توسط بازنشستگان سر داده شد و نیز با حضور گسترده و اعتراضی در مراسم خاکسپاری افراد کشته شده به دست پاسداران آدمکش در همدان صدای اعتراض شان را بلندتر کرده و خواهان پایان دادن به بساط جنگ افروزی و آدمکشی و سیستم تبه کننده زندگی خود شده اند.

برخلاف دروغگوئی های سران رژیم، امروز و بعد از شکستی که حکومت از اسرائیل در جنگ اخیر خورده و علاوه بر آن باعث به هم ریختگی و فروپاشی بیشتر از پیش انسجام آن شده که دیگر قابل بازسازی نیست، جامعه بیشتر از گذشته بر نفرت و انزجار خود از جمهوری اسلامی و بر اراده خود برای سرنگون کردن آن افزوده و شواهد حکایت از شکل گیری انسجام و آمادگی بیشتری برای وارد آوردن فشارها نسبت به زمان پیش از جنگ دوازده روزه بر حکومت دارند.

خامنه ای در چنین شرایطی بی اطمینانی و بی اعتمادی برای بقا حکومت اش مجبور می شود در جمع آدمکشان دستگاه قضائی حاضر شود و آن ها را تشویق به صدور احکام قتل و اعدام برای بازداشت شدگان اخیر که دستگاه های امنیتی و

نظامی رژیم برای پوشاندن شکست خود از اسرائیل آنها را به اتهام واهی جاسوسی برای موساد بازداشت کرده اند، می کند و این جنایتکاری سیستماتیک حکومتی را امنیت قضائی تعبیر می کند که به زعم او امنیت اقتصادی و اجتماعی را به دنبال می آورد.

اما مردم منشأ ناامنی های اقتصادی و اجتماعی، گرانی، فقر، استبداد و نبود آزادی های سیاسی و اجتماعی را دستگاه های سرکوبگر رژیم می دانند که یکی شان دستگاه آدمکش قضائی است و سالهاست که برای بستن دست جنایتکارش جنبشی را پایه گذاری کرده اند که یک سر آن در دست زندانیان در پشت میله های زندان ها است.

جنبش علیه اعدام، جنبش دادخواهان و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی که در پیوند عمیق با جنبش های کارگری، زنان و جنبش دفاع از محیط زیست و غیره نوک حمله پیکان خود را اساساً و بیشتر از هر دستگاهی معطوف به قوه قضائیه کرده اند و این پاسخ کوبنده اجتماعی به این یاهو گوئی های خامنه ای طی سالیان گذشته مخصوصاً از زمان انقلاب "زن، زندگی، آزادی" تا به امروز است.

خامنه ای و سران و سرداران آدمکش حکومت حفظ و بقا رژیم شان را می خواهند تا با سرکوب و بازداشت و اعدام و قتل، جامعه را تحت انقیاد و کنترل گیرند و از آن طریق بساط دزدی و فساد و چپاول در داخل را پهن کنند و از ثروت و درآمدهای عمومی و متعلق به مردم و همچنین با تحمیل فقر و گرانی بر اکثریت جامعه برای ماجراجوئی های منطقه ای و پروژه های هسته ای در جهت گسترش محدوده نفوذ اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی خود به راحتی هزینه کنند.

در برابر جانینان حاکم نیز جامعه ای با بیش از 85 میلیون نفر قرار گرفته اند که می خواهند جمهوری اسلامی را سرنگون و جنایتکارانش را به پشت میز محاکمه بکشاند و به سزای اعمالشان برسانند. مردم می خواهند با سرنگون کردن رژیم به همه ناامنی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جامعه پایان دهند و جامعه ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی را با دخالت مستقیم خود از طریق شوراهای خود بنیاد نهند.

خامنه ای و بقیه جنایتکاران می خواهند در درمانده ترین و مستأصل ترین شرایط خود این تناقض و ضدیت و دشمنی دیرینه میان حکومت و مردم که امروز به شدیدترین درجه رسیده و به عیان ترین حد نمایان شده است را با لفاظی های عوامفریبانه لاپوشانی کنند تا شاید راهی برای نجات پیدا کنند و مردم در متحدترین و منسجم ترین موقعیت اعتراضی تاکنونی خود در برابر حکومت قرار دارند و به رژیم اجازه بهره گیری از شرایط جنگی برای کند کردن مبارزاتشان را نخواهند داد.

خامنه ای بی شرمانه از زبان مردم رو به جهان و رو به طرف های درگیر بر سر مسئله هسته ای می گوید: "غنی سازی هسته ای حق مسلم مردم است" و مردم بر دهان او می کوبند و می گویند: "غنی سازی زندگی حق مسلم ماست!" و به این ترتیب است که صف خود و همچنین مطالبات و خواست های خود را از صف حکومت و اهداف سیاسی، نظامی و امنیتی آن که هم برای مردم در داخل و هم برای جوامع بین المللی خطرناک هستند نه تنها جدا می کنند، بلکه در مقابل اش قرار می گیرند. مردم به طور مختصر آنچه که می خواهند، آزادی، رفاه و به طور کلی زندگی است و آنچه را نمی خواهند، کلیت جمهوری اسلامی است.*

جنگ ۱۲ روزه و جامعه متهم و جامعه فعال - یاشار سهندی

۲۰ هزار نفر از مردم شهر تبریز در این قضایا کشتار شدند و سرانجام همه مردم پیرامون آن سامان، فرمان شاه اسماعیل را گردن نهادند و همه ساکنان شهر شعار او را که لباسی قرمز رنگ بود به تن کردند. .. پس از دومین ورود شاه اسماعیل به تبریز، وی ۱۲ نفر از زیباترین جوانان خانواده‌های ثروتمند تبریزی را برای بهره‌گیری جنسی «عمل شنیع» به اقامتگاه خود در کاخ هشت بهشت تبریز انتقال داد و سپس آنان را به امرای زیر دست خود سپرد که آنها نیز همان کنند.

جنگ اصلی همه حاکمان مستبد در سراسر تاریخ با "مردم خودی" است. بخصوص جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست، چرا که در جنگ با جامعه ای است که کوتاه نیامده است. با وجود همه مصایبی که بر سرش آوار شده است کوتاه نیامده است. اوج این مقاومت و مبارزه در انقلاب زیبا و جهانی زن زندگی آزادی به نمایش گذاشته است.

جامعه ایران و مردم ایران حداقل در ۴۶ سال گذشته به تجربه ای سخت خونبار و سهمگین همیشه محکوم بوده اند که "لیاقت شان همین است!" مگر کم گفتند و در این دو سه سال اخیر بسیار بی پروا تر توده مردم ایران را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند: "که هر چه بر ایران حاکم است نتیجه ندانم کاری و بی‌سپاسی، از شکم سیری ملتی است که خوشی زیر دلشان را زده بود و علیه خاندان ایران ساز انقلاب کردند!" نتیجه این بی‌پروایی و وقاحت را میتوان در آن متینگی مشاهده کرد که یک متهم به شکنجه و کشتار، معاون یک دستگاه سرکوبگر و شکنجه‌گر به اسم ساواک با عنوان "عالیجناب" بعد از چهار دهه با افتخار جلو دوربین ها ظاهر شده و او را به عنوان یک بزد معتبر امنیتی علم کردند.

جمهوری اسلامی پیش از آنکه جنگ را به اسرائیل ببازد از مردم ایران شکست خورده است. یک عدد از ذوب شدگان ولایت شاهزاده پهلوی در بی بی سی مدعی بود زور مردم نمی رسد و لازم بود از سوی "عامل خارجی" بمباران صورت بگیرد! (توجه داشته باشید "عامل خارجی" بزرگترین اتهامی است که از سوی دیکتاتوری حاکم امروز و دیروز علیه مردمی بکار برده میشود و شده است که هر بار به خیابان آمدند احقاق حقی کنند نظامیان و نیروهای انتظامی بی پروا به سوی مردم بی سلاح آتش گشودند.) حقیقت این است که جنگ ۱۲ روزه یک هدف دیگرش عقب راندن توده مردم بوسیله "عامل خارجی" بود.

از زمانی که ترامپ به ریاست جمهوری امریکا جلوس کرد، تلویزیونی که مهدی پرپنجی یکی از مدیران ارشد آن است، سیاست کلی برنامه هاش بر این قرار گرفت که ترامپ را "عامل خارجی نجات بخش"، جلوه دهند. در زمانی از او ناامید و دلخور شدند، امید به "بی بی نتانیا هو" بستند که "حداقل یک حمله محدود" انجام دهد. حمله گسترده ۱۲ روزه موجب شعف و شادمانی ایشان شد، چرا که فراتر از انتظارشان بود. و فکر کردند در پایان ماجرا حکومتی بر سر کار خواهند آورد که "آداب دوران مدرن را می‌شناسد، صلاح مُلک را درمی‌یابد، می‌داند چگونه بجنگد، و چگونه صلح بسازد؛" اما اینگونه نشد و "آتش بس" شد. و ایشان سخت برآشفتمند و اکنون در انتظار یک یورش دیگر هستند؛ و چون ممکن است صورت نگیرد از هم اکنون ما مردم متهمیم که ایفای نقش به روایتی که ایشان مایلند انجام ندادیم.

دو نیروی کثیف و فاشیست و جنگ طلب و متهم به جنایت جنگی، در جنگی ۱۲ روزه خبانت خود را با استفاده از امکانات مدرن دنیای امروز در کشتار و ایجاد دلهره به تمام و کمال به نمایش گذاشتند، این وسط ما مردم ایران محکوم هستیم که "ایفای نقش فعال" نکردیم!

مهدی پرپنجی یکی از مدیران تلویزیون ایران اینترنشنال در انتهای پیامی در شبکه ایکس هشدار میدهد:

"اگر جامعه امروز ایران، ناظر خاموش وقایع جاری باشد و تلاشی برای ایفای نقش فعال در آن نکند، اگر این شکست به نقطه‌ای برای بیداری بدل نشود، سرنوشت ایران چیزی نخواهد بود جز تکرار ناکامی‌های گذشته در شکلی سهمگین‌تر؛ یک سرزمین سوخته و ملتی شکست‌خورده، گرفتار در چنبره نظامی که نه توسعه می‌فهمد، نه آداب دوران مدرن را می‌شناسد، نه صلاح ملک را درمی‌یابد، نه می‌داند چگونه بجنگد، و نه چگونه صلح بسازد."

لازم به توضیح است که "شکست" در متن بالا اشاره به این دارد بعد از جنگ ۱۲ روزه بین جمهوری اسلامی و اسرائیل: "شکاف میان جمهوری اسلامی ...، دیگر صرفاً سیاسی یا نسلی نیست؛ بلکه به سطحی تمدنی رسیده است... حتی جنگی با این ابعاد نیز نتوانست انسجامی عاطفی یا ملی حول حاکمیت پدید آورد؛ برعکس، احساس شکست، بی‌پناهی و بی‌اعتمادی را در دل جامعه عمیق‌تر کرد."

نویسنده پیام اشاره ای به جنگ چالدران، نبرد میان دولت عثمانی و شاه اسماعیل صفوی و شکست شاه اسماعیل دارد؛ و در این جا هم تاکید بر نامیدی جامعه دارد: "شکست جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل را باید در امتداد شکست‌های تاریخی ایران، از چالدران تا ترکمانچای، درک کرد: لحظاتی که ضعف ساختاری، غرور بی‌پشتوانه و انکار واقعیت، به تحقیر ملی انجامید... آن شکست‌ها، هرچند تلخ، به بیداری نخبان و آغاز مسیر اصلاح انجامید. اما امروز، خطر بزرگ‌تر است: نظامی که نه تنها شکست می‌خورد، بلکه جامعه را از توان بازسازی و امید نیز تهی کرده است."

در این متن "جامعه ایران" دلسوزانه در جایگاه متهم نشانده شده است! جامعه ای که ۴۶ سال پیش در نبرد با یک دیکتاتوری شاهانه آنرا سرنگون ساخت و بعد در مواجهه با دستپخت بورژوازی برای "نجات ایران از سقوط به دامن کمونیسم" دست به انبان سیاه ترین بخش تاریخ بشری بردند و "روحانیت معظم" را با "پرواز انقلاب" بر این جامعه تحمیل کردند؛ جامعه ایران اما ساکت نماند. از "حق تعیین سرنوشت خویش" (چنان که درخواست کنندگان فرزانم و مبارزه خشونت پرهیز مدعی اند) دفاع کرد و جوابی نگرفت جز گلوله و بمباران و شلاق و شکنجه و اعدام. نمونه این فجایع به اندازه طول عمر جمهوری اسلامی است، که از همان قبل از سقوط رژیم سلطنتی شروع شد، به وقتی که در 22 بهمن به مردمی که در خیابانهای در حال تعیین تکلیف سرنوشت خویش بودند خمینی بوسیله بی بی سی و سیل گله های آخوند گفت: "من هنوز فرمان جهاد ندادم!" و به خاطر این نافرمانی کشتار در حضور خودش در پشت بام مدرسه ای که اقامت داشت شروع شد و این خط جنایت تاکنون ادامه دارد.

جمهوری اسلامی اتفاقاً خوب میدانند "چگونه بجنگد" همان گونه شاه اسماعیل صفوی میدانست. به تاریخ خونبار دوران این شاه، فقط به یک نمونه که در ویکی پدیا درج شده است، اشاره شود کافی است: "شاه اسماعیل پس از تسلط بر تبریز، با نهایت بی‌رحمی با گروه مخالفان رفتار کرد؛ چنان‌که بسیاری از مردم، از ملایان گرفته تا زنان و کودکان را ریز ریز کرد. او فرمان داد تا استخوان‌های عاملان کشته شدن پدرش شیخ حیدر از گور بیرون آورده و در ملأ عام در کنار سرهای بریده شده دزدان و روسپیان سوزانده شوند؛ ..."





وزارت اطلاعاتی‌ها می‌شود باید قطع شود و صرف رفاه مردم شود. مردم غنی‌سازی زندگی بر باد رفته‌شان را می‌خواهند. لغو این هزینه‌ها را به گفتمان‌ها و شعارها و بیانه‌هایمان اضافه کنیم و اعلام کنیم: نه به فقر و گرانی، نه به حقوق‌های چندبار زیر خط فقر، نه به هزینه‌های نظامی و جنگی، نه به نیروهای نیابتی، نه به هزینه‌های نهادها مذهبی، نه به غنی‌سازی اورانیوم. زنده باید غنی‌سازی زندگی!

(برگرفته از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری)

”سبد معیشت“ از ۴۸ میلیون تومان هم گذشت

فرامز توفیقی از مسئولین شورایعالی کار رژیم می‌گوید بر اساس محاسبات ریاضی، سبد معیشت حداقلی که در اسفند ۲۸ میلیون تومان محاسبه شده بود، الان به مرز ۵۰ میلیون تومان رسیده است؛ خیلی دقیق بگوییم، نرخ آن امروز بیش از ۴۸ میلیون تومان است.

یعنی ۷۲ درصد افزایش هزینه‌های زندگی در عرض چهار ماه. و این تازه هنوز ابتدای سحر است! جمهوری اسلامی قرار است صدها میلیارد دلار دیگر صرف بازسازی تاسیسات اتمی و موشکی و مراکز نظامی کند. و همه این هزینه‌ها از سفره خالی مردم تامین می‌شود. یعنی اجناس باز هم و با سرعت بیشتری گران می‌شوند. باید در مقابل این فاجعه ایستاد. اعلام کنیم که مردم خواهان غنی‌سازی هسته‌ای و تاسیسات اتمی و موشکی نیستند. خواهان کمک به نیروهای نیابتی نیستند. کلیه این هزینه‌ها تا ریال آخرش باید قطع شود. هزینه‌های هنگفتی که صرف مذهب و سرکوبگران

جنگ ۱۲ روزه و ...

از صفحه ۵

مرزهای ایران است. آنچه جامعه ایران در پی اش است انسانی و جهانشمول و در نتیجه سوسیالیستی است و بهمین خاطر به سرعت درجهان مورد استقبال قرار گرفت. این بزرگترین خطری است که بورژوازی را تهدید میکند. چون همه چیزهای که موجب شکل‌گیری این انقلاب شد هنوز به قوت خود باقی است. انقلاب ثمره یک جامعه فعال است. کافی است نگاهی به کف جامعه انداخت و در عین نگاهی عمیق به بیانه‌های تشکلهای اجتماعی داشت که چگونه "همه خوشبختی" هدف است نه اعتبار بخشیدن به پاسپورت ایرانی و "توسعه ایران" که اسم رمزی است برای تمدید بساط استثمار و سرکوب. و مهمتر اینکه این انقلاب بدون بمباران و ایجاد وحشت بلکه با رقص و شادی دستاوردهای معین و بزرگی تاکنون داشته است.

ایا ما مردم ایران واقعا ایفای نقش نکردیم؟ از دشت ترکمن صحرا تا شهرهای کردستان. از تظاهرات بیکاران در کف خیابان، در اصفهان در اردیبهشت ۵۸، تا اعتصابات نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، نساجی کردستان، ذوب آهن اصفهان، شرکت نفت و ... تا تظاهراتهای هفتگی بازنشستگان در سالهای اخیر و انبوه اعتراضات و اعتصابات کارگران در سراسر ایران، از اول ماه مه در دهه ۶۰ سندج سرخ تا مراسمات در تهران و شهرستانهای مختلف در کف خیابان تا کوه و دشت، از مقاومت دانشجویان در هجوم وحشیانه به نام انقلاب فرهنگی در اردیبهشت ۵۹ تا ۱۸ تیر ۷۶، و تا دی ماه ۹۶ که دانشجویان شعار دادند: اصلاح طلب و اصولگرا دیگه تمام ماجرا، تا ۱۶ آذر های سرخ. از مقاومت و جان فشانی زندانیان سیاسی از تابستان ۵۸ تا کشتار بی وقفه در دهه ۶۰، تا همین امروز که اسیر شکنجه گران هستند. و نیز نبرد بی وقفه زنان از ۸ مارس ۵۷ تا همین امروز، همین لحظه؛ اینها همه "ایفای نقش فعال" یک جامعه نیست پس چیست؟













جنگ ۱۲ روزه ظاهرا فرصتی به بورژوازی داده است که این دستاوردهای جنبش های چپ اجتماعی در ایران را عقب براند. حمله همه جانبه به مردم که مقصر شماید که حکومت سرپاست و اینکه عده ای دوباره فیلسان یاد هندوستان کرده و رفراوندوم و مجلس موسسان با وجود جمهوری اسلامی را پیش میکشند، بدین خاطر است که در این جنگ ۱۲ روزه ایشان هم احساس شکست میکنند. و برای همین به مرحله ای برگشت به عقب زده اند که جامعه ایران از آن گذر کرده است.

جامعه ایران اتفاقا خیلی خوب ایفای نقش کرده است که بورژوازی را چنان به وحشت انداخته که هر طور هست میخواهد این حکومت را حفظ کند، حتی به قیمت اجرایی کردن "مکانیسم ماشه" که در واقع، نهایتا حمله دیگری به زندگی ما توده مردم است.

در ایران جنبش های وسیع توده ای علیه شکنجه و اعدام، علیه مذهب. برای آزادی بی قید و شرط سیاسی، برای برابری کلیه آحاد جامعه، برای رفاه همگانی، خندیدن به سو دای جان. برای روزی که به قول شاعر کمترین سرود بوسه باشد. این ها را بارها و بارها جامعه ثابت کرده است. جامعه اگر خموده و فعال نباشد دست به هیچ مقاومتی و مبارزه ای دست نمیزند چه رسد به انقلابی برای زیرو رو کردن همه چیز. آنچه جامعه ایران را خاص کرده است این است که انقلاب زن زندگی آزادی رو به آینده دارد نه "گذشته با شکوه تاریخ ایران" که در عین حال عملا نگاهش به بیرون از



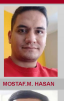









زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

FREE THEM NOW
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

 <small>SEDEH MOHAMMADI</small>	 <small>NAZRIN JAVADI</small>	 <small>BAHAR BAHRAMIPOUR</small>	 <small>MORAD ZOHRAI</small>	 <small>NAFISEH KHATAMI</small>	 <small>SHARIFEH MOHAMMADI</small>
 <small>ISA EBRAHIMPUR</small>	 <small>MEHDI RAZI</small>	 <small>BEHNAMEH ANSARI</small>	 <small>KARAM KARAMI</small>	 <small>MORTEZA SEYEDI</small>	 <small>DAVOUD RAZI</small>

WOMAN LIFE FREEDOM
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

FREE THEM NOW
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

 <small>AHMAD DEGHAN</small>	 <small>AMAN ALALI</small>	 <small>MOSTAFA H. HOSEIN</small>	 <small>HASHEM KHASTARI</small>	 <small>JAFAR M. MOHAMMADI</small>	 <small>MOHAMMAD H. SEPAESI</small>
 <small>ALIREZA MARDANI</small>	 <small>ABDOLRAHMAN K. GHOLAMI</small>	 <small>MOSTAFA M. HOSEIN</small>	 <small>BEHZAD ROSHANI</small>	 <small>MOSTAFA M. HOSEIN</small>	 <small>MASOUMEH AKARI</small>

WOMAN LIFE FREEDOM
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN



کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۳۰ تیر: جمعی از رانندگان در اعتراض به وضعیت نامشخص ثبت سفارش های خودرو که ماهها بلا تکلیف مانده اند، مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کردند

- کارگران فولاد خراسان در اعتراض به بساط مافیایی و رانت خواری مدیریت و وضعیت بد کاری و معیشتی خود تجمع کردند.

اسماعیل گرامی فعال حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی با پایان حبس یکساله خود از زندان تهران بزرگ آزاد شد. آزادی اسماعیل گرامی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. با قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز میکنیم.

یکشنبه ۲۹ تیر: بازنشستگان تامین اجتماعی همراه با شماری از فعالین معلم بنا بر فراخوان قبلی خود به خیابان آمده و با شعار "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" و "کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد" پیگیر مطالبات خود شده و صدای اعتراضشان را بلند کردند.

شنبه ۲۸ تیر: جمعی از کارگران ارکان اصلی مناطق نفت خیز جنوب، اعتراض خود را به عدم پرداخت حق الزحمه بهره‌وری مربوط به نیمه دوم سال ۱۴۰۳ رسانه ای کردند. این کارگران که در چهار منطقه عملیاتی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب فعالیت دارند، اعلام کردند که با وجود گذشت بیش از سه ماه از آغاز سال ۱۴۰۴، هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی رسمی درباره زمان و نحوه پرداخت این مطالبات قانونی صورت نگرفته است. همچنین کارگران شاغل در سایت‌های عملیاتی، ضمن اعتراض به تأخیر چندماهه طلبهای مزدی خود، خواستار پرداخت فوری مطالبات برحق خود شدند.

- حدود ساعت ۲ بعد از ظهر در واحد تقطیر شماره ۷۰ پالایشگاه آبادان در حین عملیات تعمیرات، آتش‌سوزی مهیبه اتفاق افتاد. طبق گزارشات این آتش‌سوزی یکساعت بعد مهار شد. اما متأسفانه یکی از کارگران بنام آل یاسین جان خود را از دست داد و تعدادی نیز مجروح شدند که بخاطر وخامت حال حداقل ۲ نفر از کارگران برای درمان به بیمارستانهای اهواز انتقال داده شدند. جانباختن همکاران آل یاسین را به خانواده این عزیز گرامی و همکاران تسلیت میگوییم. ایمنی محیط کار یک مطالبه فوری کارگران نفت و در سطح سراسری است.

- جمعی از کارکنان اخراجی نیروگاه دالاهو (فراب) با خواست بازگشت به کار تجمع کردند. این کارکنان که سابقه فعالیت مستقیم در بهره‌برداری از نیروگاه را دارند، مدت‌هاست در پی احقاق حقوق خود هستند. تجمع کنندگان با ممانعت از تعویض شیفت و ورود پرسنل روزکار، صدای اعتراض شان را بلند کردند.

جمعه ۲۷ تیر: بیش از ۶۰۰ همکار شاغل ما در شرکت مدیریت طرح‌های صنعتی ایران (IPMI) در فاز ۱۴ پارس جنوبی طی طوماری اعتراضی خواهان پرداخت معوقات مزدی خود و خسارت دیر کرد پرداختهایشان شده بودند. این کارگران از اردیبهشت دستمزد خود را طلب دارند و زیر فشار اعتراضات آنان طی جلسه‌ای در فرمانداری کنگان با حضور مدیرعامل شرکت IPMI وعده داده شده بود که حداکثر ظرف سه تا چهار روز آینده مزد معوقه ماه‌های اردیبهشت و خرداد ماه آنها حداکثر پرداخت شود اما این وعده‌ها عملی نشد. کارگران پیگیر مطالبات خود هستند.

- شورای هماهنگی سازماندهی اعتراضات پرستاران طی بیانیه ای تحت عنوان "مرعوب نمی‌شویم، متحد میشویم!" با اشاره به برخورد‌های امنیتی به مبارزاتشان بر پیگیری خواسته‌های خود تاکید کرده است. در این بیانیه به دور تازه ای از تحت فشار

قراردادن پرستاران معترض و پرونده سازی های قضایی علیه چهره های شناخته شده اشاره شده است.

پنجشنبه ۲۶ تیر: جمعی از رانندگان کامیون در پی بیش از دو هفته بلا تکلیفی و توقف نزدیک به صدها دستگاه کامیون ترانزیتی و تانکر از ایران در آن سوی مرز میلک و در خاک افغانستان، در مقابل پایانه مرزی میلک تجمع برپا کردند.

- در پی قطعی های مکرر برق، شرکت تخته فشرده «پاک چوب (با هزار کارگر ناچار به توقف کامل فعالیت‌های خود شد و تمامی کارگران این مجموعه صنعتی به خانه فرستاده شدند.

- جمع بزرگی از مردم علویچه اصفهان در اعتراض به آسیب رسانی و آلوده سازی محیط زیست توسط شرکت های معدنی استخراج سنگ، دست به تجمع و اعتراض زدند.

چهارشنبه ۲۵ تیر: یک کارگر جوان ۳۰ ساله در شهر دزفول به دلیل شدت گرما، جان خود را از دست داد. نبود تجهیزات سرمایشی مناسب، فشار کاری و فقدان نظارت بر شرایط ایمنی کارگران، از جمله عواملی است که به چنین فجایی منجر میشود.

- کارگران شرکت کاشی «ضامن پاژ» در نیشابور در اعتراض به تعطیلی این واحد تولیدی و بیکار شدن ۲۳۰ نفر از همکاران خود، مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند.

- کارگران کارخانه آب معدنی داماش در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق و حق بیمه خود دست به اعتصاب و تجمع زدند.

- کارگران راه آهن سرخس نیز در اعتراض به سطح نازل حقوق و شرایط سخت کاری شان دست از کار کشیده و تجمع کردند.

- پرستاران یاسوج نیز در اعتراض به معوقات مزدی کارانه، اضافه کار و حق شیفت خود مقابل دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند.

- کارگران کارخانه «فولاد سیادن ابهر» (نیر) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود تجمع کردند. این کارگران حقوق ماه‌های اردیبهشت و خرداد و اضافه کاریهای خود را دریافت نکرده اند و بخاطر آن اعتراضاتی داشته اند و کارفرما همچنان به خواست آنان بی تفاوت است.

- ۲۸۵ نفر از فعالان زنان ایران طی بیانیه ای اخراج افغانستانی‌ها را محکوم کردند

سه شنبه ۲۴ تیر: ۲۶۰ نفر از فعالان کارگری و اجتماعی با انتشار بیانیه ای حمایت خود را از یونس آزادی فعال کارگری بازنشسته که به «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» و «اهاانت به مقام رهبری» متهم شده اعلام کرده و خواهان محکوم شدن پرونده قضایی این فعال کارگری و همه فعالین سیاسی شده اند.

- جمعی از سازمان‌های مردم‌نهاد، کنشگران حقوق کودک، پژوهشگران اجتماعی و فعالان مدنی طی نامه ای سرگشاده‌ای درباره موج گسترده اخراج جمعی پناهجویان

بیانیه ۲۶۰ نفر از فعالان کارگری در دفاع از یونس آزادبر و خبری از اعتصاب کارگران پتروشیمی مارون



اعمال این گونه فشارها صورت مسئله را پاک نماید. حزب کمونیست کارگری از این حرکت اعتراضی وسیعاً حمایت میکند.

هم اکنون جنبشی گسترده علیه اعدام و زندان در برابر سرکوبگریهای حکومت جریان دارد. جنبشی که با فریاد "همصدا شویم" یک سرش در داخل کشور است و سر دیگرش در خارج از کشور. میلیونی به این جنبش پیوندیم.

- بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانانی نفت روز دوشنبه ۲۳ تیر، جمعی از کارگران شرکت آمیزه‌های پتروشیمی مارون در اعتراض به قطع مزایا و اضافه‌کاریها، حذف وعده غذایی و افزایش ساعات کاری به ۱۲ ساعت و تهدید همکاران معترض. به اخراج برای حق و حقوق خود دست به اعتصاب زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۴ تیر ۱۴۰۴، ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۵



قرار داد مستقیم کارخانه هستند. سهام دار اصلی شرکت فردی به نام محسن محمدی است که صاحب چندین شرکت دیگر نیز هست. کارگران اعلام کرده اند تا وقتی جواب نگیرند به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

امروز همچنین جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی در اراک برای دومین روز در اعتراض به روند کند پیشرفت پروژه شرکت کیسون و تحویل خانه هایشان، با حضور در محوطه اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی، دست به تجمع و تحصن زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۳ تیر ۱۴۰۴، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۵

کارگران فرصت خواسته تا جواب دهد. کارگران اعلام کرده اند که اگر جواب نگیرند به صورت گسترده تری دست به اعتراض خواهند زد.

- گروهی از مشتریان شرکت سایپا که برای دریافت خودروی شاهین ثبت نام کرده‌اند، به دلیل تاخیر طولانی در تحویل خودرو، در مقابل سازمان فروش سایپا تجمع اعتراضی برگزار کردند.

- متقاضیان بخش کیسون پروژه ۸۱۰۰ واحدی مسکن ملی اراک برای دومین شب تحصن کردند. مردم "غنی سازی" زندگیشان را می‌خواهند.

- جمعی از متقاضیان متقاضیان بخش کیسون پروژه ۸۱۰۰ واحدی مسکن ملی اراک در اعتراض به روند کند پیشرفت پروژه شرکت کیسون و تحویل خانه هایشان برای دومین شب تحصن کردند. این پروژه از سال ۱۴۰۰ آغاز شده و شامل حدود ۲۳۰۰ واحد واحد مسکن ملی در استان است. "پروژه های مسکن" در واقع یکی از شیوه دزدی از مردم با وعده مسکن پولهایشان بالا کشیده شده است.

۲۶۰ نفر از فعالان کارگری و اجتماعی با انتشار بیانیه ای حمایت خود را از یونس آزادبر فعال کارگری بازنشسته که به «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی (و) اهانت به مقام رهبری» متهم شده اعلام کرده و خواهان مخومه شدن پرونده قضایی این فعال کارگری و همه فعالین سیاسی شده اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "همان طور که شاهد هستیم، دولت سرمایه‌داران پس از جنگ دوازده‌روزه، علاوه بر تحمیل موج جدیدی از گرانی‌ها که معیشت کارگران و بازنشستگان و سایر اقشار حقوق‌بگیر و آسیب‌پذیر و کم‌درآمد را با مشکل جدی مواجه ساخته، با استفاده از فرصت، فضای جامعه را بیش از پیش امنیتی نموده و با احضار فعالین صنفی و مدنی و اعمال فشارهای امنیتی، تلاش دارد موج عظیم نارضایتی‌ها را مهار و هرگونه اعتراض صنفی و مدنی را که مطابق اصول قانون اساسی، حق مردم است، سرکوب نماید."

بر اساس این بیانیه یونس آزادبر برای چندمین بار است که به جرم دادخواهی و اعتراض به معیشت نابسامان خود و دیگر بازنشستگان، به محاکم قضایی فراخوانده شده است. مضائقگان این بیانیه، همچنین هرگونه فشار به فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان را محکوم نموده و مینویسند: اعتراض به تورم افسارگریخته و فساد موجود و مطالبه یک زندگی انسانی، حق مسلم آحاد مردم بوده و دولت نمی‌تواند با

ادامه اعتصاب کارگران آلومینیوم اراک و خبری دیگر

امروز دوشنبه بیست و سوم تیرماه حدود هشتصد نفر از کارگران شیفت صبح کارخانه آلومینیوم اراک در ادامه بیش از دو هفته اعتراض خود بخاطر مشکلات معیشتی و کاری شان تجمع کرده و در اعتراض به مدیریت، به هیچکس جز کارگران کارخانه، اجازه ورود به کارخانه نمی‌دادند. این کارگران روز گذشته نیز تجمع داشتند.

اعتراض این کارگران به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین اخراج چند تن از همکارانشان است. بعلاوه اینکه بن کالای رانندگان قرار دادی که با وانت و وسایل نقلیه شخصی خود در کارخانه مشغول به کار هستند نیز قطع شده است. در این کارخانه چهارهزار کارگر به کار اشتغال دارند و به جز صد و هفتاد نفر نیروهای ترابری و حمل و نقل که زیر نظر پیمانکار مشغول کار میکنند کلیه پرسنل شرکت نیروهای

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۷

افغانستانی به‌ویژه کودکان را محکوم کردند.

-کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" با پیوستن زندان یزد در هفته هفتاد و هفتم، به ۴۸ زندان گسترش یافت. اعضای این کارزار در بخشی از بیانیه هفتگی خود مینویسند: "اعضای این کارزار ضمن محکومیت این فشارهای حکومتی بر خانواده‌های دادخواه، از مردم آزادی‌خواه سراسر ایران می‌خواهند که بساط این سرکوبگران جانی در صحنه‌های اعدام در ملاً عام را برهم بزنند؛ آن‌ها را به صحنه‌های مقاومت و افشاکاری تبدیل کنند."

دوشنبه ۲۳ تیر: حدود هشتصد نفر از کارگران شیفت صبح کارخانه آلومینیوم اراک در ادامه بیش از دو هفته اعتراض خود بخاطر مشکلات معیشتی و کاری شان تجمع کرده و در اعتراض به مدیریت، به هیچکس جز کارگران کارخانه، اجازه ورود به کارخانه نمی‌دادند. این کارگران روز قبل از آن نیز تجمع داشتند. مدیریت یکماه از

آلودگی هوا در خوزستان در اهواز وضعیت «خطرناک» اعلام شد



موج افزایش قیمت نان در استان‌ها آغاز شده و گزارشات از افزایش پنجاه درصدی قیمت نان این رقم اصلی معیشتی مردم خبر میدهد. از جمله در اهواز قیمت نان لواش و تافتون به ۱۳۰۰ تومان، تنوری دولتی به ۱۳۵۰ تومان، سنگک به ۴۹۵۰ تومان و بربری به ۳۲۵۰ تومان رسیده است.

سه‌شنبه ۲۴ تیر:

کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام هفتاد و ششمین هفته خود را در ۴۷ زندان کشور از جمله در زندانهای شیبان و سپیدار (بند زنان و مردان) در اهواز و زندان بهبهان از خوزستان پشت سر گذاشت.

- بر اساس اعلام شرکت توزیع نیروی برق اهواز، ۱۵۴ نقطه از مناطق مختلف اهواز در حالی که گرمای بالای ۵۰ درجه را تجربه می‌کنند، بی‌برق بودند. مردم بدینگونه در جهنم جمهوری اسلامی می‌سوزند. جمهوری اسلامی نابود باید گردد. برای این روز اداره کل هواشناسی خوزستان هشدار به سطح قرمز هوا در خوزستان و افزایش دمای هوا به بالای ۵۰ درجه را داد. این اداره از ادامه استقرار توده هوای گرم با دماهای بی‌سابقه و وقوع ناپایداری‌های جوی در ارتفاعات استان خوزستان طی روزهای پایانی هفته خبر داد. تنها در تیرماه ۱۴۰۴، بیش از ۲۰ شهر خوزستان در وضعیت قرمز و ناسالم از نظر کیفیت هوا و گرما قرار گرفتند، حمیدیه مثلاً در وضعیت بنفش (بسیار خطرناک) برای روزهای متوالی تجربه کرد. استانداری خوزستان بدلیل شدت گرما فعالیت ادارات دولتی برای روز بعد یعنی ۲۵ تیر را به صورت دورکاری اعلام کرد.

دوشنبه ۲۳ تیر:

جمعی از کارگران شرکت آمیزه‌های پتروشیمی مارون در اعتراض به قطع مزایا و اضافه‌کاریها، حذف وعده غذایی و افزایش ساعات کاری به ۱۲ ساعت و تهدید همکاران معترض به اخراج برای حق و حقوق خود دست به اعتصاب زدند.

- کارگران شاغل در بخش‌های مختلف اداره آب و فاضلاب هفتکل در استان خوزستان، دست‌کم دو ماه دستمزد و مزایای مزدی از کارفرمای خود طلبکارند. بنا بر خیراً آبفای هفتکل زیر مجموعه آبفای شهرستان مسجد سلیمان قرار گرفته است.

یکشنبه ۲۲ تیر:

مدیرکل مدیریت بحران خوزستان اعلام کرد: "استان با شدیدترین خشکسالی در ۶۰ سال اخیر مواجه است و به‌منظور کاهش تنش آبی در آبادان، قریب به ۳۰ دستگاه تانکر آبرسان به این شهرستان اعزام شده‌اند." بنا بر خبرها شماری از مردم آبادان با ابراز نارضایتی از وضعیت بحرانی آب آشامیدنی، دست به اعتراض زدند.

یکی از ساکنان منطقه در اعتراض به بی‌آبی در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: واقعاً

از خوزستان خبر میرسد؟

۲۰-۲۷ تیر ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۷ تیر:

باز هم خبرها از افزایش دما و گرمای شدید در اکثر مناطق کشور بویژه در خوزستان حکایت میکند. بنا بر گزارشات تا یکشنبه در اکثر مناطق کشور روند افزایش دما در پیش خواهد بود و در خوزستان از شرایط بی‌هنجار دمایی هوا صحبت میشود. این وضعیت ویژه بخاطر بی‌تامینی مطلق زندگی و کار، مردم را مختل کرده و در خوزستان بسیاری از مردم راهی بیمارستان نموده است.

پنجشنبه ۲۶ تیر:

فقر در جامعه بیداد میکند. بنا بر گزارشات وضعیت معیشتی در خوزستان در رتبه اول شاخص «فلاکت» در کشور قرار دارد.

- در پی قطعی‌های مکرر برق، شرکت تخته فشرده «پاک چوب» با هزار کارگر ناچار به توقف کامل فعالیت‌های خود شد و تمامی کارگران این مجموعه صنعتی به خانه فرستاده شدند. قطعی‌های برق زندگی و کار مردم را به نابودی کشانده است. قطعی‌های برق باعث شده که بخش زیادی از مواد اولیه حساس که در فرآیند تولید نیازمند دمای کنترل‌شده و زمان مشخص بودند، فاسد شده و غیرقابل استفاده شوند. این مسئله ضرر مالی سنگینی به مجموعه وارد کرده است. شرکت تخته فشرده پاک چوب در دزفول واقع و یکی از واحدهای کلیدی در زنجیره تأمین صنعت چوب کشور است و بیش از ۳۰ درصد نیاز بازار داخلی را تأمین می‌کند و ادامه وضعیت حاضر می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای اقتصاد منطقه‌ای به همراه داشته باشد.

- سه زندانی سیاسی محبوس در زندان سپیدار اهواز به اسامی علی مجدم، معین خفتری و محمدرضا مجدم در خطر اجرای احکام اعدام قرار دارند. آنها پس از گذشت مدتی از تحمل حبس در سلول انفرادی در تماسهای تلفنی کوتاه با خانواده‌های خود صحبت کردند. آنها در شرایطی به شدت امنیتی و بدون اینکه اطلاعاتی درباره سلامت، وضعیت جسمی یا محل نگهداری‌شان در دست باشد. و با توجه به اینکه اجرای احکام زندانیان در اکثر مواقع در زندان سپیدار اهواز اجرا می‌شود، خانواده این ۳ زندانی سیاسی، به شدت نگران اجرای مخفیانه احکام اعدام این ۳ تن هستند.

چهارشنبه ۲۵ تیر

یر: یک کارگر جوان ۳۰ ساله در شهر دزفول به دلیل شدت گرما، جان خود را از دست داد. طبق گزارشات، این جوان در حالی که در خودروی وانت خود در منطقه کوری مدرس مشغول به کار بود دچار گرمادگی شدید شد و جان سپرد. بنا بر خبرها دمای هوا در دزفول طی این هفته به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و در برخی ساعات، به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد رسید. نبود تجهیزات سرمایشی مناسب، فشار کاری و فقدان نظارت بر شرایط ایمنی کارگران، از جمله عواملی است که به چنین فجایعی منجر میشود.

- اگرچه هنوز نرخ‌نامه جدیدی برای قیمت نان به صورت کشوری اعلام نشده، اما

اعتراضات ساکنین علویجه اصفهان، پرستاران یاسوج، و کارگران فولاد ابهر



کارفرما همچنان به خواست آنان بی تفاوت است. به گفته کارگران آنها چندین سال است که با این مشکلات درگیر هستند و سطح دستمزد آنها حتی از دیگر شرکت‌های تولیدی منطقه که کار مشابه انجام می‌دهند، کمتر است. جدا از تأخیر در پرداخت حقوق، نداشتن فیش حقوقی، محاسبه نشدن حق بیمه و مزایای اضافه کاری‌ها و تعطیل کاری‌ها و همچنین وضعیت نامناسب بهداشت در حمام، دستشویی و رختکن در این واحد تولیدی از دیگر موضوعات اعتراض این کارگران است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ تیر ۱۴۰۴، ۷ ژوئیه ۲۰۲۵

امروز ۲۶ تیر جمع بزرگی از مردم علویجه اصفهان در اعتراض به آسیب‌رسانی و آلوده سازی محیط زیست توسط شرکت‌های معدنی استخراج سنگ، دست به تجمع و اعتراض زدند. مردم میگویند وزارت «صمت» و «سازمان» منابع طبیعی، با این شرکتها همدست و همراهند. در جریان این اعتراض، مسیر ارتباطی اصفهان به علویجه توسط شهروندان بسته شد و عبور و مرور حدود ۲۰۰ کامیون، تریلی و صدها خودروی سواری متوقف گردید.

روز گذشته پرستاران یاسوج نیز در اعتراض به معوقات مزدی کارانه، اضافه‌کار و حق شیفت خود مقابل دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. تجمع‌کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی نظیر «۷ ماه بی حقوقی»، «تحمیل پرستاران را متوقف کنید» و «عدالت در پرداخت‌ها»، صدای اعتراضیشان را بلند کردند.

در این روز کارگران کارخانه «فولاد سیادن ابهر» نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود تجمع کردند. این کارگران حقوق ماههای اردیبهشت و خرداد و اضافه کاریهای خود را دریافت نکرده‌اند و بخاطر آن اعتراضاتی داشته‌اند و

از خوزستان خبر میرسد: ...

از صفحه ۹

شرم‌آور. مردم به سختی آب پیدا می‌کنن، بعد مسئولان و نماینده‌ها در رفاه کامل"

شنبه ۲۱ تیر:

طبق گزارشات، بدنبال واگذاری یکی از جایگاههای سوخت اهواز به بخش خصوصی، خطر اخراج بیست و دو همکار پیمانی شاغل در این جایگاه را که بر خی از آنان ۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، تهدید میکند. کارگران، شرکت پخش فرآورده‌های نفتی را مسئول پاسخگویی و تداوم اشتغال خود در بخش‌های دیگر زیر مجموعه این شرکت میدانند.

- در ادامه موج سرکوب و اعدام‌های سیاسی، سه زندانی سیاسی به نام‌های فرشاد اعتمادی‌فر، مسعود جامعی و علیرضا مرداسی (حمیداوی) هر یک به دو بار اعدام و یک سال زندان محکوم شدند. همچنین دو زندانی دیگر به اسامی سامان و داوود حرمت نژاد نیز به ترتیب به ۱۲ و ۱۵ سال حبس محکوم شده‌اند. هم اکنون جنبشی گسترده علیه اعدام و زندان در برابر سرکوبگریهای حکومت جریان دارد. جنبشی که با فریاد "همصدا شویم" یک سرش در داخل کشور است و سر دیگرش در خارج از کشور. میلیونی به این جنبش پیوندیم.

- در روزهای اخیر شاخص هوای ۸۷ شهر ایران در وضعیت «ناسالم»، «بسیار ناسالم» یا «خطرناک» قرار گرفت. در مواردی مانند اهواز شاخص آلودگی از مرز ۵۰۰ عبور کرد. سازمان محیط زیست این وضعیت را دومین عامل مرگ‌ومیر در ایران دانسته، اما تخریب محیط زیست ادامه دارد و جان و سلامت مردم به خطر افتاده است.

جمعه ۲۰ تیر: سال گذشته، اخراج ناگهانی بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت "پارس

طبیعت سلولز" به تیر اصلی رسانه‌ها تبدیل شد. شرکتی که در ابتدا همراه با "کاغذپارس" نماد موفقیت در واگذاری به بخش خصوصی معرفی می‌شد، اما حالا به نمونه‌ای روشن از استعمار وحشیانه کارگر تبدیل شده است.

شرکت کاغذ پارس در شوش، به قیمت ناچیز و به‌عنوان شرکتی زیان‌ده واگذار شد؛ اما مالکان جدید با راه‌اندازی خطوط فرسوده و تعدیل گسترده نیرو، حداکثر سود را از آن استخراج کردند. سپس، با استفاده از تسهیلات کلان بانکی، شرکت جدیدی با نام "پارس طبیعت" را بنیان نهادند. بعد هم با فروش آن در بورس سود چند لایه ای به جیب زدند. در نتیجه اعتراضات کارگری، ابعاد تازه‌ای از دزدی‌های پشت پرده این ماجرا روشن شد.

در سال‌های گذشته کارگران در کاغذپارس و شرکت‌های تابعه‌اش بخاطر مشکلات کاری و معیشتی خود بارها دست به اعتراض زدند. کارگرانی که به حقوق معوقه، قراردادهای ناپایدار، و اخراج تدریجی بدون شفافیت دست به تجمع و اعتراض زدند اما هر بار، با تاکتیک‌هایی مثل تعویق قرارداد، فشار روانی و اخراج‌های قطره‌چکانی، صدایشان خاموش شد. امروز دیگر اخراج‌ها یک‌باره نیست. آن‌ها "به اصطلاح" حقوق را می‌دهند، اما فشار روانی، بلا تکلیفی و حذف تدریجی کارگران را طوری مدیریت می‌کنند که اوضاع تحت کنترلشان باشد. از جمله تنها در روزهای اخیر، ۸ کارگر دیگر با بهانه‌های واهی تا اطلاع ثانوی کنار گذاشته شده‌اند تا در عمل، اخراج شوند. به گفته کارگران اکنون تعطیلی تولید و خاموشی کارخانه، برای این صاحبان سرمایه، سودآورتر از کار کردن آن باشد.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۲۷ تیر ۱۴۰۴ / ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۵

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

پیش بسوی اعتصابات سراسری!



۲۹ تیر: حسین میربهاری از فعالین پرتلاش، متعهد و دلسوز کودکان کار و از بنیان گذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان پس از ۳۰ روز بازداشت و تحمل حبس انفرادی، آزاد شد.

آزادی حسین میربهاری را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم

کارگران راه آهن سرخس نیز در اعتراض به سطح نازل حقوق و شرایط سخت کاری شان دست از کار کشیده و تجمع کردند.

خبردیگر مربوط به حمایت توماج صالحی خواننده محبوب مردمی، از حسین میربهاری فعال شناخته شده دفاع از حقوق کودک است که در سی و یکم خرداد بازداشت و خبری از او نیست. قبلا نیز تشکلهای و نهادهای مختلف کارگری و اجتماعی طی بیانیه هایی اعتراض خود را به این دستگیری اعلام کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی شده بودند. شماری از این تشکلهای عبارتند از: ۱۴ تشکل از فعالان حوزه حقوق کودک، انجمن باری کودکان، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اتحادیه آزاد کارگران ایران. حسین میربهاری و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۶ تیر ۱۴۰۴، ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۵

اعتراض زندانیان قزلحصار به تبعید سعید ماسوری، اخباری از اعتراضات کارگری و ادامه حمایتها از حسین میربهاری فعال دفاع از حقوق کودک

تلاش امروز ۲۶ تیر ماه مأموران وزارت اطلاعات برای خارج کردن زندانی سیاسی سعید ماسوری از واحد چهار این زندان، جهت تبعید او به یکی از زندانهای واقع در غرب یا جنوب غربی کشور، با اعتراض و مخالفت دیگر زندانیان سیاسی ناکام ماند و سعید ماسوری به بند قبلی بازگردانده شد. شماری از زندانیان سیاسی محبوس در زندان قزلحصار کرج، طی نامه ای ضمن گزارش این خبر تاکید کردند که مسئولان زندان گفته اند که این انتقال روز شنبه به طور قطعی انجام خواهد شد. این زندانیان با اشاره به اینکه "برودن و تبعید زندانیان سیاسی به مکانهای نامعلوم یکی از مصادیق بارز نقض حقوق بشر است" از نهادهای حقوق بشری و مردم خواسته اند تا در برابر این اقدام سکوت نکنند و مانع از تبعید آقای ماسوری در بیست و پنجمین سال از حبس وی به زندانی دیگر شوند.

روز ۲۵ تیر کارگران شرکت کاشی «ضمن پاژ» در نیشابور در اعتراض به تعطیلی این واحد تولیدی و بیکار شدن ۲۳۰ نفر از همکاران خود، مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. به گفته کارگران تعطیلی کارخانه در پی قطعی های مکرر برق صورت گرفته و در این رابطه تجمعات اعتراضی متعددی داشته اند و پاسخ نگرفته اند. کارگران خواستار بازگشایی فوری کارخانه، بازگشت به کار، و جلوگیری از تشدید بحران معیشتی خود هستند.

در این روز همچنین کارگران کارخانه آب معدنی داماش در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق و حق بیمه خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. همچنین

اعتراض کارگران آهنگری تراکتور سازی تبریز، و بیانیه اعتراضی پرستاران



امروز ۲۷ تیر کارگران آهنگری تراکتورسازی تبریز برای هشتمین روز در اعتراض به تعویق دو ماه مزد و مزایای شغلی خود دست به تجمع زدند. شرکت آهنگری تراکتورسازی، یکی از تولیدکنندگان اصلی قطعات تخصصی و ایمنی در کشور به شمار می رود و محصولات آن در صنایع مختلفی از جمله خودروسازی، کشاورزی، نفت و گاز، راه آهن، صنایع دریایی، راه و ساختمان، معدن و مهندسی عمومی کاربرد دارد.

- رانندگان کامیون در دو سوی مرز میلک به دلیل صف های طولانی مدت دست به اعتراض زدند. بنا بر گزارشات منتشر شده روز گذشته بیست و ششم تیر جمعی از رانندگان در پی بیش از دو هفته بلا تکلیفی و توقف نزدیک به صدها دستگاه کامیون ترانزیتی و تانکر از ایران در آن سوی مرز میلک و در خاک افغانستان، در مقابل پایانه مرزی میلک تجمع برپا کردند.

- شورای هماهنگی سازماندهی اعتراضات پرستاران طی بیانیه ای تحت عنوان "مرعوب نمیشویم، متحد میشویم!" با اشاره به برخوردهای امنیتی به مبارزاتشان بر پیگیری خواسته های خود تاکید کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما فیای بهداشت و درمان کشور از ترس شعله گرفتن دوباره اعتراضات برحق ما پرستاران و کادر درمان، دور تازه ای از تحت فشار قراردادن همکاران فعال و مطالبه گر و پرونده سازی های قضایی علیه چهره های شناخته شده را آغاز کرده است. بعد از شکایت حقوقی دانشگاه علوم پزشکی مشهد علیه همکاران ما، آقای توکلی و خانم بحرینی، شاهد شکایت و احضار محمد حسین پور از فعالان مطالبه گر، رودسر و املش در استان گیلان هستیم".

در پایان این شورا در بیانیه خود هشدار داده و مینویسد: "تهدید و ابلاغیه و توییح

و اخراج نمیتواند مسیر حق خواهی ما را متوقف کند، و اینبار به آتش خشم لشگری مواجهه میشوید که چیزی برای از دست دادن ندارند، نه امنیت شغلی، نه حرمت حرفه ای و نه امید به آینده. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران ضمن حمایت قاطع از چهره های شناخته شده پرستاری خواهان توقف و پایان دادن به پرونده سازی های قضایی علیه پرستاران حق طلب می باشد. از همه پرستاران و کادر درمان و پرسنل بیمارستانی و مراکز درمانی می خواهیم که با پیگیری هر وسیعتر مطالبات و خواسته های برحق مان دست سرکوب و ارباب را کوتاه کنیم. اعتراض و اجماع دسته جمعی و اعتصاب، راههای پیش رو ماست!"

پرستاران یک بخش معترض جامعه هستند و خواسته های آنها به زندگی و معیشت کل جامعه مربوط است. حزب کمونیست کارگری همصدا با شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران تهدیدات امنیتی علیه پرستاران را محکوم و از خواسته ها و مبارزات آنان حمایت و پشتیبانی میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ تیر ۱۴۰۴، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۵



آزادی حسین میربهری، اعتراض رانندگان، کارزارها علیه اعدام و در دفاع از زندانیان

حسین میربهری، از چهره‌های شناخته شده و محبوب دفاع از حقوق کودک و از بنیان‌گذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، پس از ۳۰ روز بازداشت و تحمل سلول انفرادی، روز گذشته ۲۹ تیر با تودیع وثیقه آزاد شد. او در سی و یکم خردادماه در منزل شخصی خود واقع در شهر پردیس بازداشت شده بود. دستگیری او با اعتراض وسیعی روبرو شده و حمایت‌های بسیاری از سوی نهادهای دفاع از حقوق کودک، و نهادهای کارگری و اجتماعی دیگر همراه بود. آزادی میربهری را به او، به خانواده وی و به همگان تبریک می‌گوییم. پرونده قضایی تشکیل شده برای باید فوراً مسدود شود.

اعتراضات در میان بخشهای مختلف کارگری گسترش می‌یابد. امروز ۳۰ تیر جمعی از رانندگان در اعتراض به وضعیت نامشخص ثبت سفارش‌های خودرو که ماه‌ها بلا تکلیف مانده‌اند، مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کردند. آنها با سر دادن شعار "راننده بیدار است از ظلم و ستم بیزار است" خواستار تسریع در روند واردات خودرو و رسیدگی فوری به مشکلات کاری و معیشتی خود شدند.

در این روز همچنین کارگران فولاد خراسان در اعتراض به بساط مافیایی و رانت خواری مدیریت و وضعیت بد کاری و معیشتی خود تجمع کردند.

آخرین خبر مربوط به حرکت اعتراضی زندانیان تهران بزرگ در اعتراض به اعدامها ست. این زندانیان در حرکتی اعتراضی در حیاط این زندان، دست در دست هم داده و سرود خوانی همصدا صحنه زیبایی از اعتراض به احکام اعدام را آفریدند. جعفر پناهی کارگردان سرشناس ایرانی با انتشار فیلمی از این حرکت در صفحه اینستاگرامش نوشت: "آنان که خود سال‌هاست قربانی سرکوب، شکنجه و محاکمات فرمایشی‌اند، فریاد زدند: ایران را نمی‌توان به دار آویخت، و صدای مردم را نمی‌توان سانسور یا تحریف کرد."

هم اکنون جنبشی قدرتمند علیه زندان و اعدام و با نماد "همصدا شویم" در داخل و در خارج کشور جریان دارد. در حمایت از زندانیان سیاسی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طوماری را به اما گدازه است که خواستهای مورد تاکید آن عبارتند از: توقف هرگونه تصمیم‌گیری برای تغییر کاربری زندان اوین، انتقال زندانیان به محل‌هایی ایمن، بهداشتی و متناسب با وضعیت آن‌ها، ضمن رعایت اصل تفکیک زندانیان مطابق آیین نامه‌ی سازمان زندان‌ها، تشکیل هیأتی مستقل برای بررسی وقایع روز حمله و نحوه انتقال زندانیان، تضمین حقوق اولیه زندانیان، از جمله دسترسی به درمان، وکیل و تماس با خانواده برای همه‌ی زندانیان در همه‌ی شهرها و استان‌ها. آزادی همه‌ی زندانیانی که به دلیل کهولت سن یا بیماری‌های خاص، به واسطه‌ی قانون و به دلیل عدم تحمل کیفر باید آزاد شوند. آزادی بی‌قید و شرط همه‌ی زندانیان صنفی، سیاسی و مدنی که بدون ارتکاب هرگونه رفتار بزهکارانه‌ای، صرفاً به جرم تلاش برای عدالت، آزادی و

زندگی شرافتمندانه برای همه‌ی شهروندان، مورد غضب و تنگ‌نظری مسئولان قضایی و امنیتی قرار گرفته‌اند.

ندای زنان ایران نیز در بیانیه‌ی تحت عنوان "صدای کسانی باشیم که در زندان‌ها، زیر سایه اعدام و سرکوب هستند!" از وضع اسفبار زندانیان زن سخن گفته و مینویسد: "هیچ انسانی نباید به جرم اعتراض و بیان اندیشه و عقیده خود به بند کشیده شود. چماق زندان و اعدام را باید برای همیشه از سر زندگی کوتاه کرد."

"ندای زنان ایران" ضمن محکوم کردن رفتارهای به غایت سرکوبگرانه علیه زندانیان سیاسی به ویژه زنان زندانی سیاسی در زندان‌های قرچک ورامین، لاکان رشت، سپیدار اهواز، کرمان، ارومیه و سراسر کشور، از همه نهادهای مردمی و حقوق بشری و از همه انسانهای آزادیخواه می‌خواهد علیه بساط زندان و اعدام و سرکوب متحدانه، همصدا شویم:

- آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران!

- توقف فوری همه اعدام‌ها و لغو کامل مجازات اعدام در ایران!

حزب کمونیست کارگری همصدا با تمامی این کارزارها برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام حمایت و پشتیبانی میکند و بر این همصدایی در سطح جامعه و بین المللی تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ تیر ۱۴۰۴، ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۵

مشخصات فنی تلویزیون
کانال جدید

یوتل‌ست، فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

یوتل‌ست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم
(جهت یاهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵
عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

KANAL جدید
کانال جدید



بنیادین انسان‌های به حاشیه رانده شده:

توقف فوری روند اخراج‌ها و برخورد‌های امنیتی با مهاجران؛

به رسمیت شناختن حق اقامت، تحصیل، اشتغال و زندگی برای تمامی مهاجران افغانستانی، به ویژه نسل‌هایی که در ایران متولد شده‌اند و در این سرزمین زندگی کرده‌اند؛

تضمین امنیت، آزادی و حق انتخاب برای زنان و دختران مهاجر؛

انجام بررسی مستقل درباره‌ی بازداشت‌ها، مرگ‌های مشکوک، و رفتارهای غیرقانونی و غیر بشردوستانه در فرآیند اخراج؛

رد صریح سیاست‌های «دیگری‌سازی» (و مقابله با هرگونه گفتمان تبعیض‌آمیز مبتنی بر ملیت، جنسیت و طبقه؛

در روزگار جنبش زن ژان آزادی برای کرامت انسان‌های ساکن این سرزمین کنار هم می‌ایستیم.

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

بیانیه‌ی فعالان زنان ایران علیه اخراج مهاجران افغانستانی

مرز، ملیت، طبقه، جنسیت: ما علیه سیاست حذف می‌ایستیم

جمعی از فعالان حقوق زنان، با خشم و هشدار، سیاست‌های فزاینده‌ی اخراج مهاجران افغانستانی از ایران را محکوم کرده‌اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: «در هفته‌های اخیر و در پی تجاوز اسرائیل، حکومت به دنبال بازسازی نوعی انسجام داخلی از طریق «دیگری‌سازی» (است و پناهندگان، مهاجران و ایرانیان افغانستانی تبار بار دیگر قربانی این فراق‌کنی سیاسی شده‌اند. سرکوب، به جای پاسخگویی و حرکت به سمت بازسازی امکان هم‌زیستی، مسیر همیشگی حاکمیت برای انحراف از بحران‌های ساختاری است.»

در بخش پایانی بیانیه نیز چنین آمده است:

«ما، امضاکنندگان این بیانیه اعلام می‌کنیم: ما، در کنار مهاجران افغانستانی، به ویژه زنان و کودکان، ایستاده‌ایم.

ما، اخراج، تحقیر، حذف و بی‌حقوق‌سازی آنان را نه یک اقدام منفرد، که بخشی از پروژه‌ی سرکوب می‌دانیم، سرکوبی که با بدن ما، زندگی ما و آزادی ما نیز سر و کار دارد.

ما، از تمام نهادهای مدنی، دانشگاهیان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و فعالان اجتماعی می‌خواهیم که در برابر این «اخراج سیستماتیک دیگری» سکوت نکنند.

ما، بر تحقق مطالبات زیر پافشاری می‌کنیم، نه به عنوان امتیاز، که به مثابه حقوق

اسماعیل گرامی آزاد شد!

روز سی تیر اسماعیل گرامی فعال حقوق بازنشستگان تاملین اجتماعی با پایان حبس یکساله خود از زندان تهران بزرگ آزاد شد. اسماعیل گرامی قبلاً نیز به دفعات بازداشت و زندانی شده بود،

آزادی اسماعیل گرامی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک می‌گوییم. با قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز میکنیم.



خلف وعده مدیریت شرکت طرح‌های صنعتی ایران در فاز ۱۴ پارس جنوبی

قبلاً گزارش کردیم که بیش از ۶۰۰ همکار شاغل ما در شرکت مدیریت طرح‌های صنعتی ایران (IPMI) در فاز ۱۴ پارس جنوبی طی طوماری اعتراضی خواهان پرداخت معوقات مزدی خود و خسارت دیر کرد پرداخت‌هایشان شدند. این همکاران از اردیبهشت دستمزد خود را طلب دارند و زیر فشار اعتراضات آنان طی جلسه‌ای در فرمانداری کنگان با حضور مدیرعامل شرکت IPMI وعده داده شده بود که حداکثر ظرف سه تا چهار روز آینده مزد معوقه ماه‌های اردیبهشت و خرداد ماه آنها پرداخت شود اما این وعده‌ها عملی نشد. همکاران پیگیر مطالبات خود هستند.

تعویق پرداخت دستمزدها بازی با زندگی و معیشت ما کارگران و حقیقتاً یک جنایت است. چه زیبا سخن گفتند بازنشستگان پیش کسوت وقتی نوشتند. غنی سازی زندگی حق مسلم ماست.

وقتی می‌گوییم که ما غنی سازی زندگی را لازم داریم، غنی سازی هوا و طبیعت را لازم داریم، غنی سازی سفره و سفر و شادی را لازم داریم، دقیقاً از این می‌گوییم که با اینهمه ثروت و اندوخته و دارایی چرا کارگران ما باید در شرایط مرگ آفرین کار کنند، انرژی هسته‌ای به چه کار این کارگران و مردم خورده است، به چه کار خشکسالی و ورشکستگی کشاورزان خورده است؟؟ (پستی بر گرفته از کانال تلگرامی شورای بازنشستگان ایران)



تهدید و ابلاغیه و توییح و اخراج نمیتواند مسیر حق خواهی ما را متوقف کند، و اینبار به آتش خشم لشگری مواجهه میشوید که چیزی برای از دست دادن ندارند، نه امنیت شغلی، نه حرمت حرفه ای و نه امید به آینده.

"شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران"، ضمن حمایت قاطع از چهره های شناخته شده پرستاری خواهان توقف و پایان دادن به پرونده سازی های قضایی علیه پرستاران حق طلب می باشد.

از همه پرستاران و کادر درمان و پرسنل بیمارستانی و مراکز درمانی میخواهیم که با پیگیری هر وسیعتر مطالبات و خواسته های برحق مان دست سرکوب و ارباب را کوتاه کنیم.

اعتراض و اجماع دسته جمعی و اعتصاب، راههای پیش رو ماست!
شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

ما مرعوب نمیشویم، متحد میشویم!

مافیای بهداشت و درمان کشور از ترس شعله گرفتن دوباره اعتراضات برحق ما پرستاران و کادر درمان، دور تازه ای از تحت فشار قراردادن همکاران فعال و مطالبه گر و پرونده سازی های قضایی علیه چهره های شناخته شده را آغاز کرده است. بعد از شکایت حقوقی دانشگاه علوم پزشکی مشهد علیه همکاران ما، آقای توکلی و خانم بحرینی، شاهد شکایت و احضار محمد حسین پور از فعالان مطالبه گر، رودسر و املش در استان گیلان هستیم.

شکایت علیه محمد حسین پور بابت انتشار یک کارزار اینترنتی بوده است. کارزارهایی که دستان ما را برای حق خواهی و مطالبه گری و اتحاد هر چه وسیعتر به هم گره میزند و حق ابتدایی شغلی همه ی ما میباشد.

کمپین #نه_به_اضافه_کاری_اجباری که پرستاران سراسر کشور با عزم راسخ خواهان پایان دادن به بردگی و بیگاری، شدند و در عمل نشان دادند که "پرستار نباشد، سیستم از هم میپاشد!"

پاسخ پرستاران به گستاخی مافیای بهداشت و درمان موجی از خشم و انزجار بوده است و شاهد پیام های بسیار دلگرم کننده و متحد از سراسر کشور در حمایت از نمایندگان و چهره های شناخته شده جامعه پرستاری بوده ایم.

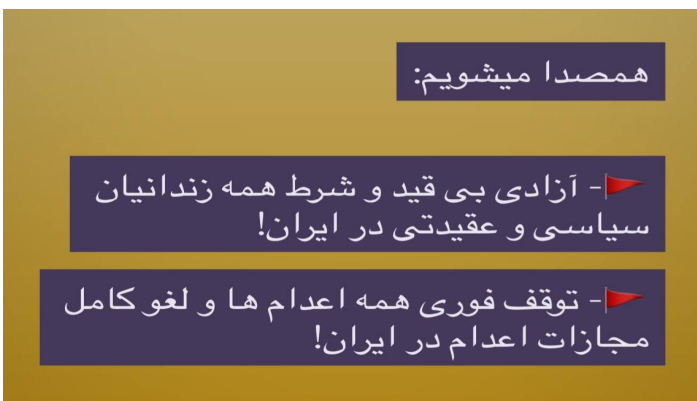
همکاران ما متحدانه اعلام کرده اند:

"اگر کارزار جرم است، ما همه مجرم هستیم"
صدای عدالت خواهی خاموش نخواهد شد،

اگر یک چهره پرستاری را تهدید کنید، دهها پرستار خشمگین از بطن هر بیمارستان سر بر می آورند.

ما پرستاران و کادر درمان هشدار میدهیم:

برای نجات جان انسانهایی که در چنگال حکومت اعدام و کشتار و زندان اسیر هستند، همصدا میشویم:



- آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران!
- توقف فوری همه اعدام ها و لغو کامل مجازات اعدام در ایران!
توقف احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی می تواند شمشیر مرگ و زندان را از حکومت جنایت و کشتار بگیرد و مسیر مبارزات ما مردم را برای آزادی و رفاه و برابری هموارتر سازد.

#نه_به_اعدام

#اعدام_قتل_عمد_دولتی_است

#زندانی_سیاسی_آزاد_باید_گردد (برگرفته از مدیای اجتماعی)



تعداد فوتی های حادثه واژگونی اتوبوس در فارس به ۲۱ نفر رسید

این عبارت را سالها مزدوران حقوق بگیر جمهوری اسلامی در مقابل هر اعتراض مردم گفتند که عوضش امنیت داریم. اما معلوم شد که حتی رهبر و شورای امنیت و فرماندهان حکومت هم امنیت ندارند چه برسد به مردم. این عبارت هم دیگر از زبان اوباش سپاه و سرکوبگران افتاد!

(برگرفته از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری)

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان فارس گفته است که حادثه واژگونی یک دستگاه اتوبوس مسافری با مبداء قیر و کارزین و مقصد مشهد در جاده کوار به فیروزآباد، تاکنون ۲۱ کشته و ۲۵ مصدوم دارد.

گرانی و کمبایی قطعات و لوازم یدکی ماشین های سنگین و هزینه بالای تعمیر و نگهداری آنها و جاده های غیر استاندارد و نا ایمن از عوامل اصلی تصادفات جاده ای اتوبوس ها و جانباختن و مجروح شدن شهروندان هستند. عامل این وضعیت را همه می شناسند: نظام آدمکش اسلامی.

عوضش امنیت داریم!!



کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» با پیوستن زندان یزد در هفته هفتاد و هفتم، به ۴۸ زندان گسترش یافت

خانواده‌های محکومان به اعدام و دادخواهان، با وجود فشارهای امنیتی فزاینده، همچنان برای نجات جان عزیزانشان هر هفته همراه با کارزار

«سه‌شنبه‌های نه به اعدام» (فریاد می‌زنند. اعضای این کارزار ضمن محکومیت این فشارهای حکومتی بر خانواده‌های دادخواه، از مردم آزادی‌خواه سراسر ایران می‌خواهند که بساط این سرکوبگران جانی در صحنه‌های اعدام در ملأ عام را برهم بزنند؛ آن‌ها را به صحنه‌های مقاومت و افشاکاری تبدیل کنند.

مردم شریف ایران! فریاد و اعتراض شما می‌تواند پرده از چهره جنایت‌کارانه این نظام ضد انسانی بردارد و صدای قربانیان را زنده نگه دارد.

ما مصرانه از همه می‌خواهیم خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام و دادخواه را تنها نگذارند.

قدرت ما در همبستگی و اتحاد ماست و بی‌شک بساط سرکوب و اعدام را جارو خواهیم کرد.

زندانیان در کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» (در هفته هفتاد و هفتم، سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴، در ۴۸ زندان زیر در اعتصاب غذا می‌باشند:

زندان قزلحصار (واحد ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان فردیس کرج، زندان تهران بزرگ، زندان قرچک، زندان خورین ورامین، زندان چوبیندر قزوین، زندان اهر، زندان اراک، زندان خرم‌آباد، زندان یاسوج، زندان اسدآباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان، زندان شیوان اهواز، زندان سپیدار اهواز (بند زنان و مردان)، زندان نظام شیراز، زندان عادل‌آباد شیراز (بند زنان و مردان)، زندان فیروزآباد فارس، زندان زاهدان (بند زنان)، زندان برازجان، زندان رامهرمز، زندان بهبهان، زندان بم، زندان کهنوج، زندان طبس، زندان مشهد، زندان گنبدکاووس، زندان قائم‌شهر، زندان رشت (بند مردان و زنان)، زندان رودسر، زندان حویق تالش، زندان ازبرم لاهیجان، زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، زندان اردبیل، زندان تبریز، زندان ارومیه، زندان سلماس، زندان خوی، زندان نقده، زندان میاندوآب، زندان مهاباد، زندان بوکان، زندان سقز، زندان بانه، زندان مریوان، زندان سنندج، زندان کامیاران، و زندان یزد.

هفته هفتاد و هفتم - ۲۴ تیر ۱۴۰۴

#کارزار_سه‌شنبه‌های_نه_به_اعدام (برگرفته از مدیای اجتماعی)

در این هفته از کارزار، همچنان صدای اعتراض علیه اعدام و قتل حکومتی در زندان‌های ولایت فقیه بلند است.

در تازه‌ترین اخبار، برای سه زندانی سیاسی فرهاد اعتمادی‌فر، مسعود جامعی و علیرضا مرداسی، هر کدام دو بار حکم اعدام توسط شعبه یک «بی‌دادگاه» (انقلاب اهواز صادر شده است. همچنین در روزهای اخیر، سه زندانی سیاسی-عقیدتی محکوم به اعدام از هم‌وطنان عرب به نام‌های علی مجدم، معین خنفری و محمدرضا مقدم در اهواز به سلول انفرادی منتقل شده‌اند و متأسفانه در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند. بی‌خبری کامل از وضعیت این سه زندانی، بر نگرانی‌های خانواده‌های آن‌ها افزوده است.

بی‌خبری از وضعیت این سه زندانی و ده‌ها زندانی دیگر، خطر «ناپدیدسازی قهری» (را به‌شدت به همراه دارد؛ اتفاقی که در گذشته بسیار شاهد آن بوده‌ایم.

خانم مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، با ابراز نگرانی از وضعیت سه زندانی عرب اهوازی، بار دیگر زنگ خطر بین‌المللی در مورد موج سرکوب در ایران را به صدا درآورده است. این هشدارها باید به مطالبه‌ای عمومی برای توقف فوری اعدام‌ها بدل شود.

هم‌زمان، اعاده دادرسی مهدی حسنی و بهروز احسانی، دو زندانی سیاسی محکوم به اعدام، برای چهارمین بار رد شده است؛ این در حالی است که پرونده آن‌ها با ابهامات جدی حقوقی همراه بوده و پیش‌تر نیز با بهانه «سری بودن» (پرونده، مانع دسترسی وکیل به جزئیات آن شده‌اند؛ عملی که خلاف قانون است.

اعدام‌ها در ماه تیر نیز بار دیگر شتاب گرفته است. تنها در تیرماه تاکنون، دست‌کم ۴۴ تن، از جمله یک زن هم‌وطن‌مان، اعدام شده‌اند. دو نفر از آن‌ها در ملأ عام در شهرهای میاندوآب و بوکان به دار آویخته شدند؛ یعنی هر روز دو نفر اعدام شده‌اند، و این تنها اعدام‌هایی است که رسانه‌ای شده‌اند. این‌ها صحنه‌های اربعاب و قدرت‌نمایی حکومتی است که از هر سو با بحران مواجه است و اعدام در ملأ عام را ابزار مهار قیام و خشم عمومی کرده است.

بنابر اخبار رسیده، در ادامه گسترش کارزار مردمی «نه به اعدام» (جمعیتی از زندانیان زندان یزد نیز به‌عنوان چهل‌وهشتمین زندان به جمع کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» پیوسته‌اند. امری که نشانگر بیداری و عزم مردم برای ایستادگی در برابر ماشین مرگ حکومت قرون‌وسطایی است.

به کارزار همصدا شویم پیوندید

فراخوان همصدا شویم اکنون با امضای ۵۴ گروه و نهاد حقوق بشری، مدنی و سیاسی، و ۳۴۸ نفر از فعالین عرصه‌های مختلف مبارزاتی از خارج و داخل ایران منتشر شده است. علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی وسیعاً با این کارزار همراه شویم. گرفتن این ابزار سرکوب از حکومت یک گام مهم برای به پیروزی رساندن انقلاب جهت‌رهایی از جهنم جمهوری اسلامی. با قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز کنیم و به اعدامها پایان دهیم و بساط اعدام را برای همیشه بر چینیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

۱۷ ژوئیه ۲۰۲۵ - ۲۶ تیر ۱۴۰۴

Shahla.daneshfar2@gmail.com

برای مشاهده لیست امضاها لطفاً به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://tiny.cc/v5pp001> (برگرفته از مدیای اجتماعی)



فراخوان شورای هماهنگی برای شرکت در کارزار حمایت از زندانیان



۴. تضمین حقوق اولیه‌ی زندانیان، از جمله دسترسی به درمان، وکیل و تماس با خانواده برای همه‌ی زندانیان در همه‌ی شهرها و استان‌ها.

۵. آزادی همه‌ی زندانیانی که به دلیل کهولت سن یا بیماری‌های خاص، به واسطه‌ی قانون و به دلیل عدم تحمل کیفر باید آزاد شوند.

۶. آزادی بی‌قید و شرط همه‌ی

زندانیان صنفی، سیاسی و مدنی که بدون ارتکاب هرگونه رفتار بزهکارانه‌ای، صرفاً به جرم تلاش برای عدالت، آزادی و زندگی شرافتمندانه برای همه‌ی شهروندان، مورد غضب و تنگ‌نظری مسئولان قضایی و امنیتی قرار گرفته‌اند و شایسته نیست که در چنین وضعیتی، سلامت و وجودشان در معرض تهدید قرار بگیرد.

هموطن! اگر شما نیز باور دارید که حفظ کرامت زندانیان و حافظه تاریخی یک ملت وظیفه جمعی ماست، به این کارزار بپیوندید

از طریق لینک زیر با وارد کردن نام و نام خانوادگی خود از این کارزار حمایت کنید . <https://forms.gle/QksTfqtabigYm5zbA> (برگرفته از مدیای اجتماعی)

پس از حملات موشکی اخیر و آسیب‌های جدی به زندان اوین، صدها زندانی، از جمله زندانیان سیاسی، مدنی، صنفی، زنان و بیماران خاص، با شرایطی تحقیرآمیز و نایمن به زندان‌های تهران بزرگ، شهر ری و ورامین منتقل شده‌اند. گزارش‌های میدانی از قطع آب و برق، نبود خدمات درمانی، برخورد خشونت‌آمیز، زنجیر کردن زندانیان و انتقال آن‌ها در میان آوار و اجساد، تصویری تکان‌دهنده از نقض شدید کرامت انسانی ارائه می‌دهد.

(ناگفته نماند که بسیاری از زندان‌های کشور، وضعیتی مشابه دارند و زندانیان از حداقل استانداردها محرومند)

در این میان، زمره‌هایی از تغییر کاربری اوین به مراکز تجاری، مسکونی یا تفریحی شنیده می‌شود؛ تلاشی خطرناک برای پاک‌کردن حافظه‌ی جمعی و محو نماد دهه‌ها مقاومت و مبارزه مدنی مردم ایران.

ما امضانندگان این کارزار، با هر نگاه و گرایش، خواهان اقدامات فوری زیر هستیم:

۱. توقف هرگونه تصمیم‌گیری برای تغییر کاربری زندان اوین.

۲. انتقال زندانیان به محل‌هایی ایمن، بهداشتی و متناسب با وضعیت آن‌ها، ضمن رعایت اصل تفکیک زندانیان مطابق آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها.

۳. تشکیل هیأتی مستقل برای بررسی وقایع روز حمله و نحوه‌ی انتقال زندانیان.

صدای کسانی باشیم که در زندان‌ها، زیر سایه اعدام و سرکوب هستند!

صدای زنان زندانی سیاسی در جهنم زندان قرچک ورامین، زندانی که همواره نماد شرایط غیرانسانی و بی‌حقوقی بوده است.

حدود ۷۰ زندانی سیاسی زن، دوم تیرماه پس از حمله نظامی به زندان اوین، در شبی هولناک و در بدترین شرایط غیر انسانی، بدون توجه به وضعیت جسمی و سلامتی زندانیان به زندان قرچک ورامین منتقل شدند.

برخی از زنان زندانی موقع فرو ریختن شیشه‌ها و دیوارهای زندان آسیب دیده بودند، با وجود افراد سالخورده و بیمار در بین آنها، باید همه زندانیان تحت رسیدگی درمانی فوری قرار می‌گرفتند اما سیستم سرکوب و زندان، کوچکترین تعهد و مسئولیتی در قبال جان زندانیان نداشته و تنها در پی حفظ چماق زندان و ارباب، حتی در شرایط جنگی می‌باشد.

زنان زندانی سیاسی، مانند سایر زنان محبوس در زندان قرچک، از ابتدایی‌ترین حقوق زیستی خود محروم هستند. وجود تراکم چند برابری، نداشتن دسترسی به آب آشامیدنی سالم، نبود فضای باز، ناکارآمدی سیستم‌های سرمایشی و فقدان تهویه مناسب در گرمای طاقت فرسای تابستان و تخت‌هایی که به عنوان تابوت‌های فلزی از آن یاد می‌شود.

کمبود شدید امکانات بهداشتی، قطعی‌های مکرر آب، برق و تلفن، غذای بی‌کیفیت و شرایط طاقت‌فرسای جسمی و روانی، اوضاع را برای زندانیان به جهنم بدل کرده و مصداق بارز شکنجه می‌باشد.

پاسخ مقامات زندان در برابر این شرایط وعده و وعیدها و نوید انتقال به زندان دیگر بوده است.

در حالیکه ما خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم.

زندانیان سیاسی تنها به جرم دفاع از حق آزادی بیان و عقیده، دادخواهی و حقوق



پایه‌ای زندگی، به احکام زندان و اعدام محکوم شده‌اند.

زنان زندانی سیاسی، سالهاست از پشت میله‌های زندان با صدور بیانیه‌ها و اعلام حمایتها همواره

در صف مقدم مبارزه و صدای اعتراض کل جامعه بوده‌اند.

هیچ انسانی نباید به جرم اعتراض و بیان اندیشه و عقیده خود به بند کشیده شود.

چماق زندان و اعدام را باید برای همیشه از سرزندگی کوتاه کرد.

"ندای زنان ایران" ضمن محکوم کردن رفتارهای به‌غایت سرکوب‌گرانه علیه زندانیان سیاسی به ویژه زنان زندانی سیاسی در زندان‌های قرچک ورامین، لاکان رشت، سپیدار اهواز، کرمان، ارومیه و سراسر کشور، از همه نهادهای مردمی و حقوق بشری و از همه انسانهای آزادیخواه می‌خواهد علیه بساط زندان و اعدام و سرکوب متحدانه، همصدا شویم:

- آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران!

- توقف فوری همه اعدام‌ها و لغو کامل مجازات اعدام در ایران!

ندای زنان ایران، تیرماه ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)